

مشایخ در یاقین **قران** عطار در وصل در جوت دلیل کند بر تغییر هوا و اگر  
و بسیار و بار و کجا به سخت **قران** قمر و وصل در جوت دلیل کند بر کوه  
م و تری هوا و دل مشغول مردم عالم **قران** مریخ و مشتری و جوت دلیل  
کند بر قوت اشراق و شادی و میخ صفت و فزونی نعمت شری که فتن  
گر با **قران** زهره و مشتری و جوت دلیل کند بر قوت اشراق و شادی  
خلق و فزونی نعمت و ارزانی لباس و زینت **قران** عطارد و مشتری و جوت  
دلیل کند بر قوت اهل علم و سعادت اهل دیوانیان و دل ملکوت و  
صفا عالم و نیکو حال مسافران در باره تغییر هوا و آمدن باران **قران** قمر  
و مشتری و جوت دلیل کند بر قوت احوال عامه و سلاطین مسافران  
و کشتیها و زیاده آنها و جانوران و شادی و میخ خلق و راست  
امانت **قران** زهره و مریخ و جوت دلیل کند بر تغییر هوا و بار و غم  
و زیاده شدت آبها و جانوران **قران** عطارد و مریخ و جوت دلیل  
کند بر قوت تشویش و تشویش در دنیا و آمدن بادها و برف و حاله بران  
و بخار و زیاده حال ایشان و اعتدال هوا و طایفه حال جانان و دل  
هکمت و خصوصیت و منازعت در میان این طبقه **قران** قمر و مشتری و جوت  
دلیل کند بر بدی حال مسافران در باره و هلاکت شریخ جانوران که در قفس  
هوا مایل مگر **قران** عطارد و زهره و جوت دلیل کند بر نیکو حال  
مردان با زنان و منافقت میان این طبقه اندر هر یک در باره باد  
و باران و سردی و انو و آنها **قران** قمر و زهره و جوت دلیل کند  
بر نیکو حال عامه و کثرت و زران و افزونی قوت زنان در رحم و بسیار

نگارها

نگارها و رعیت مردم در راه و طرب و تفریح **قران** قمر و عطارد و جوت  
دلیل کند بر سلامت مسافران در باره و اجرام و کواکب و جوت  
اشتیاق عامه **قران** این نامر آن که در کواکب یا کوه مشایخ که در  
شرفه بود این حال با در زمین مشرق بود اگر که در جنوب بود و ناچیت  
نوب بود اگر که شمال بود و ناچیت شمال بود اگر که جنوب بود  
اندر ناچیت جنوب بود و **قران** عطارد و مشتری و جوت  
قران میکنند کلام شهید یا مشهور است تا شیر در آن شهر یا بیشتر  
پدید آید و امداد علم **قران** عطارد و مشتری و جوت  
**تلیف** و تدریس مشرق و وصل دلیل است بر هوا و فتن جهان ملوک و عالم  
و اشراق و قضایات و یاقین و رعیت و فزونی طعم و نیکو حال آنها  
دقت اهل حق و پیدایش و ایمان و ملوک نیکو سیرت و انقلاب  
کارها خاصه ملوک اصغر و کاهر و حاکمتر باشد و اگر ملوک **تلیف** و تدریس  
مریخ و وصل دلیل است بر مصالحت و موافقت میان لشکر باجه و  
مشایخ و یاقین و تخلصها در کارهای مردم و امر و فرمان و تدریس  
و کارها خوب **تلیف** و تدریس آفتاب و وصل دلیل است بر تفریق  
میان ملوک و یاقین و مشایخ و با سبب یافتن بعضی از یاقین  
و نواحت ملوک و یاقین را و فزونی طعم و خوب **تلیف** و تدریس  
زهره و وصل دلیل است بر موافقت حال زنان با شوهران و در کنار  
که با یکدیگر قوت حال و خوشی در یاقین و موافقت با  
طرب و فزونی معیشت بر عامه مردم و تفریح حال از نواح مرزاده  
و فزونی حال زنان حامله و دشواری حمل **تلیف** و تدریس